

تعصب (ش.ش/فر.ش)

تعصب (در معرفت شناسی و فرهنگ شناسی) نوعی دلبستگی روحی و انس ذهنی به پذیرش یا نفی یک باور یا نگرش است؛ بطوری که مانع راهیابی شک خوب در آن نگره شده و فرد یا افکار عمومی ضمن آن، به خود اجازه بررسی مجدد و دیالوگ منطقی در مورد نفی و اثبات آن را ندهد.

نکات مهم

- تعصب، یک ناعلم است. (آنچه در اصطلاح منظور شده تعصب و ناعلم بد است)
- شک نکردن و پایداری در امور اثبات شده، و تعهد به لوازم یقینیات، تعصب نیست. تعصب، محصول جایز ندانستن بازاندیشی معرفت شناختی است. بنابراین کسی که به لوازم اندیشه اش پایبند است و بر این امر اصرار دارد، از این روزن، متعصب قلمداد نمی شود. بنیادگرایی، اگر تعهد به بنیان های لوازم معرفتی و اما آمادگی برای مباحثه و دیالوگ غیرمتکلمانه باشد، متعصبانه نیست. دیالوگ های متکلمانه، نافی تعصب نیستند.
- تعصب بر نگرش و تبیین و تفسیر و گردآوری و و داوری های آدمی موثر است و راه را برای داوری و بازفهمی برخی از دانسته ها، پذیرفته ها و انکار شده ها، منطقی، می بندد، آن گونه که دیگر نمی تواند در مورد آن دانسته، با منطق اکتشاف پیش برود و مطلب را بازاندیشی کند.
- شک خوب، دشمن تعصب است.
- ایدئولوژی، لزوماً تعصب آور نیست.